



لانه‌سازی

زهرة حاج محمدحسن ● تصویرگر: نرگس جوشش

سگ آبی شناگر

من دم پهنی دارم که برای شنا کردن کمک می‌کند. من هم مثل بعضی موجودات، به شنا کردن در آب نیاز دارم. دندان‌های تیزی هم دارم که با آن‌ها می‌توانم شاخه و تنه‌ی درخت را قطع کنم. با کمک تنه، شاخه و برگ درختان سد می‌سازم تا آب پشت آن جمع شود. حیوانات دیگر به راحتی نمی‌توانند وارد لانه‌ی من بشوند.

به نظر تو من و بچه‌هایم کجا هستیم؟





کبوتر

من برای ساختن لانه جایی را انتخاب می‌کنم که ساکت و امن باشد؛ جایی که محل رفت و آمد انسان‌ها و حیوانات نباشد تا بتوانم در امنیت جوجه‌هایم را بزرگ کنم. اگر احساس خطر کنم، پرواز می‌کنم و به جای امنی می‌روم. هر وقت دیگر خطری اطراف لانه‌ام نباشد، برمی‌گردم. **به نظر تو من چگونه می‌توانم لانه بسازم؟**

خرگوش زبل

من دست‌ها و پاهایی قوی دارم که می‌توانند خاک را بکنند. گوش‌های بلندی هم دارم. با کمک آن‌ها صداها را به خوبی می‌شنوم. من به سرعت از دست دشمن فرار می‌کنم. همیشه هم برای لانه‌ام درهای زیادی درست می‌کنم. **می‌دانی چرا؟**

